

رابطه حکمرانی خوب با نابرابری درآمدی در کشورهای
منتخب جنوب غربی آسیا و کشورهای عضو سازمان
همکاری اقتصادی و توسعه

**The Effect of Good Governance Indicators
on Income Inequality Selected Countries
Southwest Asia and the Countries of the
Organization for Economic Cooperation
and Development**

Mohamad khosroabadi¹, Mohsen
Zayanderoody², Alireza Shakibae³

Introduction: This research aimed to surveying the influence and critical role that good governance might play with regard to the increasing trends in income inequality, numerous rates of unemployment, lack of economic justice in different societies especially within developing countries, and in carrying out government's duties to achieve a better distribution of income. Hitherto, income distribution has been one of the main concerns of the government. Since the income distribution and social justice are, often, alleged to be associated with poverty issues this might have led to some short-term solutions to fix the problems. On the other hand, scholars in the fields of Economists tend to claim that the phenomenon of inequality of income distribution might be shows some sorts of internal resistance and without considering the effective factors short-term solution

1. PhD in Economics,
<khosroababdimoahamad@gmail.com>
2. PhD in Economics
3. PhD in Economics

محمد خسروآبادی*، محسن زاینده‌رودی**،
علیرضا شکیبایی*

مقدمه: روند فزاینده نابرابری درآمدی، نرخ بالای بیکاری و نبود عدالت اقتصادی در جوامع مختلف و به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه و نقش ویژه دولت‌ها در رسیدن به توزیع مناسب درآمد و تأمین رفاه اجتماعی و با توجه به اینکه توزیع درآمد یکی از دغدغه‌های اصلی و مهم دولت است و چون غالباً توزیع درآمد از مسائل عدالت اجتماعی و فقر مورد توجه قرار می‌گیرد، همین امر موجب شده است تا راه‌حلهای کوتاه مدت برای رفع این مشکل توصیه نشود. در حالیکه پدیده نابرابری توزیع درآمد، به خاطر مقاومت نیروهای درونی، پایداری از خود نشان می‌دهد و اجرای سیاستهای کوتاه مدت، بدون شناخت عوامل تأثیرگذار، پیامدهای نامطلوبی بر توزیع درآمد و رشد اقتصادی بدنیاال دارد. بنابراین برای مقابله با مشکل توزیع ناعادلانه درآمد باید عوامل مؤثر بر آن را شناخت و با اتخاذ سیاستهای مناسب در راستای بهبود توزیع درآمد اقدام نمود. این نشان می‌دهد

* دکتر اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سبزوار، ایران،
(نویسنده مسئول)،
<khosroababdimoahamad@gmail.com>

** دکتر اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان، ایران
*** دکتر اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر کرمان، ایران

might have adverse effects on income distribution and economic growth. In order to deal with the problem of unfair income distribution the effective factors should be identified and appropriate policies should be taken to modify income distribution. This shows the income distribution is as important in the society as almost all the economists highlight income distribution as government's critical goal and task. The presence of good governance and equal income distribution is required to reduce poverty. This signifies the need for good governance and with respect to a result of a two-state models (maximum vs. minimum), one may feel the need for such a good governance.

Method: The present research is a case study with an econometric approach aimed to put the social and economic theories in the field. The causal relationships between variables can be analyzed by using figures. As the current study conducted in some countries and data governance have been publishing since 1996, it is limited to the number of years that series econometrics could not be used for them. Econometric methods using panel data were used to estimate the models. Moreover, time series data was used to estimate the

که اهمیت توزیع درآمد در جامعه به حدی است که تقریباً تمامی اقتصاددانان یکی از اهداف و وظایف عمده دولت را توزیع درآمد ذکر می‌کنند. حتی می‌توان آن جزء بارز و مشخص یک دولت کارآمد دانست و با توجه به پیامدهای حاصله از دو الگوی دولت حداکثر و دولت حداقل می‌توان به این نتیجه رسید که حضور حکمرانی خوب برای کاهش سطح فقر و توزیع برابر درآمدها الزامی است. روش: پژوهش حاضر مطالعه‌ای بین‌کشوری بوده و با توجه به اینکه داده‌های حکمرانی از سال ۱۹۹۶ میلادی منتشر شده است، دوره مورد مطالعه محدود به تعداد سالهایی است که نمی‌توان از اقتصادسنجی سری زمانی استفاده نمود. از این رو برای تخمین مدل از روش اقتصادسنجی داده‌های ترکیبی (پانل داده‌ها) استفاده می‌شود و همچنین تخمین داده‌های سری زمانی طی دوره ۱۲ ساله ۲۰۱۰-۱۹۹۹ با استفاده از نرم افزار *Eviews* انجام می‌شود.

یافته‌ها: نتایج حاصل از برآورد شاخصهای حکمرانی بر نابرابری درآمدی در دو گروه منتخب نشان می‌دهد که شاخصهای حکمرانی خوب رابطه منفی با ضریب جینی داشت. همچنین از طریق محاسبه میانگین موزون شاخصهای حکمرانی خوب بر اساس مدل گانسی و دانکن (۲۰۰۴)، کیفیت حکمرانی معرفی شده و تأثیر آن بر توزیع درآمد مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاصل از تحقیق مدل نشان می‌دهد که کیفیت حکمرانی که

12-year period from 1999 to 2010 via Eviews8 software.

Findings: According to the results of this research, it can be stated that indicators of good governance have a significant negative impact on the Gini coefficient. Paying attention to governance and quality of governance can increase the economists' ability of explaining the empirical facts. As the advanced countries have high indicators of good governance, transition Countries that seek to improve the economic situation, especially the improvet the income distribution in society, should pay attention to this indicator. The findings indicate that improving any component of governance will make positive changes in order to improve income distribution in selected countries in South-Western Asia and the countries of the Organization for Economic Cooperation and Development (OECD).

Discussion: This study examined the impact of the governance to reduce inequalities in two countries of South-Western Asia and countries of the Organization for Economic Cooperation and Development during the period from 1996 to 2010 and by using panel data. Many economists believe

از طریق میانگین موزون شاخصهای حکمرانی خوب محاسبه شده است دارای تأثیری منفی و معنادار بر ضریب جینی است. به گونه‌ای که توجه به مؤلفه‌های حکمرانی و کیفیت حکمرانی می‌تواند، توانایی اقتصاددانان در توضیح واقعینهای تجربی در جهت کاهش نابرابری در سطح جهان افزایش و زمینه‌ساز اتخاذ سیاستهای اقتصادی واقع‌بینانه‌تری مبتنی بر واقعینهای آن جامعه و کشور باشد و با توجه به اینکه کشورهای پیشرفته از لحاظ شاخصهای حکمرانی خوب در سطح بالایی هستند، کشورهای در حال گذر که به دنبال بهبود وضعیت اقتصادی به‌ویژه بهبود توزیع درآمد در جامعه هستند بایستی به این شاخصها توجه جدی داشته باشند. و در جهت اجرا و پیاده‌سازی آن بکوشند. در واقع یافته‌ها دلالت بر این مسئله دارند که بهبود هر یک از مؤلفه‌های حکمرانی تغییرات مثبتی را در جهت بهبود توزیع درآمد در کشورهای مورد مطالعه کشورهای منطقه جنوب غربی آسیا و کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه داشته باشند.

بحث: هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر شاخصهای حکمرانی بر کاهش نابرابری در دو گروه از کشورهای منطقه جنوب غربی آسیا و کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه طی دوره زمانی ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۰ با استفاده از روش پانل داده است. بسیاری از اقتصاددانان معتقدند بهبود شاخصهای حکمرانی یک معیار اساسی برای بهبود توزیع درآمد و رفاه

the improvement of the governance is a fundamental measure to improve income distribution and social welfare. Regarding the findings of this research the government can use such indicators in the successful countries through the improvement of the governance model of good governance (transparency, effectiveness, political stability and lack of violence and terrorism, government effectiveness indicator index terms, index, rule of law and corruption control index). These indicators lead to reducing the cost trade, increasing investment, production and employment, and contribute to reducing income inequality. Since good governance factor driving economic growth, wealth creation and ultimately increase employment and improve income distribution are required studied countries, especially the countries of South-Western Asia have to pay much attention to them. As this indicators of governance situation is not good in the countries of South-Western Asia, in the end, some suggestions offered to improve the situation in this countries. So that good governance is important to reduce inequalities in the distribution of income and long-term performance. Due to the high level of inequality in developing

اجتماعی است. یافته‌های مطالعه نیز بیانگر اثر منفی و معنادار شاخصهای حکمرانی بر نابرابری درآمدی هر دو گروه است. دولت‌ها با بکارگیری الگوی حکمرانی خوب در کشورهای موفق از طریق بهبود شاخصهای حکمرانی (شاخص شفافیت و اثربخشی، شاخص ثبات سیاسی، عدم خشونت و تروریسم، شاخص اثربخشی دولتی، شاخص کیفیت قوانین و مقررات، شاخص حاکمیت قانون و شاخص کنترل فساد) باعث کاهش هزینه‌های معاملات، افزایش سرمایه‌گذاری و افزایش تولید، افزایش اشتغال و کاهش بیکاری می‌شوند و از این طریق به کاهش نابرابری درآمدی کمک می‌نمایند. با توجه به اینکه حکمرانی خوب عامل محرکه رشد اقتصادی، تولید ثروت و در نهایت بهبود وضعیت اشتغال و افزایش توزیع درآمد است، باید کشورهای مورد مطالعه به‌ویژه کشورهای منطقه جنوب غربی آسیا به این معیار مهم توجه زیادی داشته باشند و با توجه به اینکه وضعیت شاخصهای حکمرانی در کشورهای منطقه جنوب غربی آسیا مناسب نیست، در انتها پیشنهاداتی به منظور بهبود وضعیت این کشورها ارائه می‌شود. عملکرد بلندمدت حکمرانی خوب در عادلانه شدن توزیع درآمد و کاهش نابرابری حائز اهمیت است. با توجه به سطح بالای نابرابریها در کشورهای در حال توسعه، به‌ویژه کشورهای جنوب غرب آسیا پیشنهاد می‌شود سیاستمداران و مدیران اقتصادی در این کشورها، جهت کاهش

countries, especially the countries of South West Asia it is suggested that politicians and economic managers in these countries, pay more attention to indicators of good governance and use them in order to reduce inequality.

Keywords: Income Distribution, Gini Coefficient, Good Governance, Panel Data

نابرابری و فاصله طبقاتی، توجه بیشتری به شاخصهای حکمرانی خوب داشته باشند.

واژگان کلیدی: حکمرانی خوب، توزیع درآمد، داده‌های تابلویی، ضریب جینی

تاریخ دریافت: ۹۴/۶/۱۱

تاریخ پذیرش: ۹۵/۳/۱۳

مقدمه

بررسی عمقی بحث گذار از دولت حداکثر به دولت حداقل و سپس نظریه حکمرانی خوب نشان می‌دهد که قبل از پایان جنگ جهانی دوم تا حدودی دیدگاه کینزی که لزوم دخالت دولت را تجویز می‌کرد در میان کشورها رواج داشت. مسائلی همانند بازسازی خرابیهای ناشی از جنگ جهانی و دوران رکود بزرگ امریکا، باعث توجهات محکم‌تری برای افزایش مداخله دولت در ابعاد مختلف شده بود. روند افزایش مداخله دولت در اقتصاد، مشکلات عدیده اقتصادی، ناکامیهای مستمر سیاستهای اقتصادی و بروز اختلاف در ابعاد مختلف اقتصادی باعث شد تا بار دیگر تئوری کلاسیک (دولت حداقل) بتواند از تئوری رقیب پیشی گیرد (بشیری و شقاقی شهری، ۱۳۹۰).

سرانجام در پایان دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ در کشورهای صنعتی، بحث کوچک‌سازی دولت و سیاست خصوصی‌سازی به منظور رفع اختلافات و انگیزه‌های پیدایش آنها مورد توجه جدی قرار گرفت. اما با توجه به امر کوچک‌سازی دولتها تا پایان دهه ۸۰ میلادی، مشکلات و مسائلی که متعاقب نظریه حداقل دولت وجود داشت موجب شد از اواسط دهه ۹۰ میلادی نارضایتی

نسبت به دولت حداقل شکل بگیرد و از پایان آن دهه، رویکرد حکمرانی خوب مورد استقبال گسترده قرار گرفت، به گونه‌ای که اقتصاددانان نهادگرا معتقد بودند دولت و بازار دو نهاد مکمل هستند و نه دو نهاد رقیب. بنابراین بجای بحث از مداخله و یا عدم مداخله دولت باید از کارایی و اثربخشی دولت سخن گفت. اما آنچه مدنظر است، نگاه متفاوت به عملکرد دولت و آن هم توجه به عمق وظایف دولت (کیفیت دولت) است. حکمرانی خوب که در برگیرنده همکاری و هماهنگی دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی است، باعث شده همه ارکان بتوانند در کنار یکدیگر، به تقویت یکدیگر و در نهایت به کارآمدتر کردن دولت و بهبود عملکرد اقتصادی و اجتماعی کمک کنند (بشیری و شقاقی شهری، ۱۳۹۰).

مشکلاتی از قبیل فقر، نابرابری، تبعیض، فساد، تخریب محیط زیست، استفاده و تخصیص نادرست منابع مادی و انسانی، نرخ شهرنشینی فزاینده، بیکاری پنهان بالا، گسترش نامتعادل بخش دولتی، بی‌ثباتی اقتصادی و سیاسی، بالا بودن هزینه‌های مصرفی دولت و نرخ تورم بالا که از جمله چالش‌هایی هستند که کشورهای در حال توسعه با آن روبرو هستند (کميجانی و سلاطین، ۱۳۸۹) و به عقیده تودارو (۱۳۸۷) امروزه ریشه‌کن کردن نابرابری، مرکز ثقل مسائل قرار گرفته و هدف اصلی سیاست توسعه برای بسیاری از کشورها است. به همین سبب بهبود در توزیع درآمد و کاهش نابرابری جزء اهداف عمده راهبرد توسعه اقتصادی و اجتماعی و حتی از وظایف مهم دولت‌ها محسوب می‌شود، بنابراین ارزیابی نابرابری توزیع درآمد در جامعه و کمی کردن آن، شناسایی عوامل و ریشه‌های افزایش دهنده و راهکارهای کاهش آن، مرکز توجه اقتصاددانانی است که به مسائل عدالت اجتماعی و توسعه اقتصادی پایدار توجه دارند. با توجه به این شرایط، حکمرانی خوب ضرورت پیدا می‌کند، تا این کشورها به بازسازی

دولتهایشان به‌طور اساسی بپردازند، در این راستا، حکمرانی خوب با تلفیق سازوکارها و روشهای مناسب در دولت می‌تواند، راه حل یگانه‌ای برای رفع مشکلات کنونی این جوامع باشد. به عبارتی دیگر یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر توزیع درآمد، حکمرانی خوب است و این یکی از دلایلی که سبب شد بانک جهانی، حکمرانی یعنی شیوه مدیریت و اداره کشور یا رابطه شهروندان با حکومت‌کنندگان را موضوع کلیدی توسعه معرفی کند، زیرا از پیامدهای سیاست حضور حداقلی دولت، افزایش بیکاری، فقر، نابرابری و تورم در اواخر دهه ۱۹۸۰ بود (کمپانی و سلاطین، ۱۳۸۹). از اینرو هدف عمده تحقیق، بررسی تأثیر شاخصهای حکمرانی خوب بر توزیع درآمد با بکارگیری داده‌های تابلویی طی دوره ۲۰۱۰-۱۹۹۹ برای کشورهای منتخب در حال توسعه و کشورهای توسعه‌یافته است که نحوه تقسیم‌بندی این کشورها براساس شاخصهای حکمرانی خوب از سوی بانک جهانی انجام شده است (رزمی و همکاران، ۱۳۹۰). براساس این تقسیم‌بندی، کشورهایی که درصد رتبه شاخصهای حکمرانی خوب آنها بین صفر تا بیست و پنج است کشورهایی با کیفیت نهادی پایین، کشورهایی که رتبه شاخص حکمرانی خوب آنها بین بیست و پنج تا هفتاد و پنج است، کشورهایی با کیفیت نهادی متوسط و کشورهایی که درصد رتبه شاخص حکمرانی خوب آنها بین هفتاد و پنج تا صد است کشورهایی با کیفیت نهادی بالا هستند. در نتیجه کشورهای منطقه جنوب غربی آسیا شامل (۲۳) کشور جنوب غربی آسیا (افغانستان، ارمنستان، آذربایجان، قبرس، گرجستان، ایران، عراق، اردن، قزاقستان، کویت، قرقیزستان، لبنان، عمان، پاکستان، قطر، عربستان سعودی، سوریه، تاجیکستان، ترکیه، ترکمنستان، امارات، ازبکستان، یمن که دو کشور بحرین و فلسطین بدلیل نبود داده‌ها و اطلاعات از مدل حذف گردیدند)،

از لحاظ شاخصهای حکمرانی در وضعیت ضعیفی هستند و همچنین کشورهای جنوب غربی آسیا با توجه به شرایط اقلیمی متنوع از وضعیت رفاهی متفاوتی برخوردار هستند و این کشورها با مشکلات و چالشهای نسبتاً مشابهی دست و پنجه نرم می‌کنند و این مجموعه از کشورها از میراث نهادی و تاریخی مشترکی برخوردار هستند که مسیر حرکت آنها را به خود وابسته می‌دارد (برادران شرکاء و ملک الساداتی، ۱۳۸۷)، اما کشورهای عضو OECD (سازمان همکاری اقتصادی و توسعه شامل: استرالیا، اتریش، بلژیک، کانادا، چک، دانمارک، فنلاند، آلمان، یونان، ایسلند، ایرلند، ایتالیا، ژاپن، کره جنوبی، لوکزامبورگ، مکزیک، هلند، نیوزلند، نروژ، لهستان، پرتغال، اسلواکی، اسپانیا، سوئد، سوئیس، ترکیه، انگلیس و آمریکا) معیاری برای مقایسه و استفاده از راهکارهای مؤثر آنها برای بهبود وضعیت کشورهای فوق‌الذکر است، به‌گونه‌ای است که این کشورها دارای ساختار دموکراتیک هستند و همچنین از نظر شاخصهای حکمرانی در بالاترین وضعیت از لحاظ رتبه‌بندی قرار دارند، که این کشورها جزء کشورهای توسعه‌یافته در این طبقه‌بندی قرار می‌گیرند (رزمی و همکاران، ۱۳۹۰).

با توجه به هدف عمده این مقاله، پرسش اصلی این است که آیا شاخصهای حکمرانی خوب می‌توانند باعث بهبود توزیع درآمد در کشورهای منتخب گردند؟

مبانی نظری

بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، به ترتیب از اوایل و اواسط دهه ۱۹۸۰، دولتهای حاکم بر کشورهای در حال توسعه را ترغیب کردند که اصلاحات اساسی در خط مشی و سیاست را به عنوان شرایط اعطای اعتبارات بپذیرند. این رهیافت جدید که تحت عنوان سیاستهای تعدیل ساختاری مطرح گردید، مورد

اجماع محافل سیاستگذاری در واشنگتن (نظیر بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، خزانه‌داری آمریکا و فدرال رزرو) بود و دقیقاً به همین دلیل ویلیامسون آن را اجماع واشنگتنی^۱ نامید. در اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی سیاستهای تعدیل مورد انتقاد گسترده اقتصاددانان نهادگرا و در رأس آنها جوزف استیگلیتز^۲ (۱۹۹۸) قرار گرفت در اجماع پسا واشنگتنی، دولت و بازار دو نهاد مکمل هستند نه دو نهاد رقیب، بنابر این تدارک موفقیت‌آمیز این نهادها، اغلب تحت عنوان حکمرانی خوب مطرح می‌شود (مهرآرا و اسدیان، ۱۳۸۸). تعریفی که بانک جهانی بدان اشاره کرده اینگونه است که حکمرانی را به عنوان سنت و نهادهایی تعریف می‌کند که توسط آنها قدرت به منظور مصلحت عمومی در یک کشور اعمال می‌شود و شاخصهای مورد نظر عبارتند از:

۱. حق اظهار نظر و پاسخگویی:^۳ میزان مشارکت شهروندان کشور در انتخاب دولتها و همچنین داشتن آزادی بیان، آزادی همکاری و رسانه‌های آزاد
۲. ثبات سیاسی:^۴ احتمال اینکه دولت توسط ابزارهای خلاف قانون اساسی و مشروعیت، مورد بی‌ثباتی و مخالفت قرار می‌گیرد که دربرگیرنده انگیزه‌های سیاسی از خشونت و تروریسم است
۳. اثربخشی دولت:^۵ کیفیت خدمات عمومی، کیفیت خدمات مدنی و درجه استقلال خود از فشارهای سیاسی، کیفیت تدوین و اجرای سیاستها و اعتبار تعهد دولت به این سیاستها
۴. کیفیت قوانین و مقررات:^۶ توانایی دولت برای تدوین و فرموله کردن سیاستها، که اجازه ترویج و توسعه بخش خصوصی را نتیجه می‌دهد

1. Washington Consensus
3. voice and accountability
5. government effectiveness

2. Joseph Stiglitz
4. political stability (no violence)
6. regulatory quality

۵. حاکمیت قانون^۱: اعتماد کارگزاران به قواعد جامعه و به‌ویژه کیفیت اجرای قراردادها، حقوق مالکیت، پلیس و دادگاه و همچنین احتمال جنایت و خشونت ناشی از آن

۶. کنترل فساد^۲: مقدار استفاده از قدرت عمومی برای به‌دست آوردن منافع خصوصی که دربرگیرنده هر دو شکل کوچک و بزرگ از فساد است (کافمن^۳ و همکاران، ۲۰۱۰)

همچنین برای محاسبه شاخص کیفیت حکمرانی، با توجه به اینکه بانک جهانی شاخص عددی محاسبه نکرده است، براساس مطالعه گانی و دانکن^۴ (۲۰۰۴)، میانگین ساده حسابی این شش شاخص به عنوان شاخص کیفیت حکمرانی محاسبه شده است (کميجانی و سلاطین، ۱۳۸۹).

حال به مکانیسم تأثیرگذاری شاخصهای حکمرانی خوب بر توزیع درآمد پرداخته می‌شود:

۱) حق اظهارنظر و پاسخگویی: آزادیهای مدنی و انتشار آزاد اطلاعات که مصادیقی از وجود حق اظهار نظر و پاسخگویی هستند، موجب تقویت آگاهیهای عمومی و شفافیت اقتصادی و اجتماعی می‌شوند، که موجب می‌شود، صاحبان کسب و کار از بینش و قدرت لازم برای نقد سیاستهای اقتصادی دولت و مقابله با تغییرات نابجا در قوانین برخوردار شوند که این امر، هزینه‌های کسب و کار را کاهش می‌دهد و از این رهگذر، موجب توسعه کسب و کار و افزایش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی می‌شود (برادران شرکاء و ملک الساداتی، ۱۳۸۷). بی شک این امر نیز به نوبه خود موجب بهبود توزیع درآمد می‌شود.

1. rule of law
3. Kaufmann

2. control of corruption
4. Gani and Duncan

۲) ثبات سیاسی و عدم خشونت/ تروریسم: شاخص ثبات سیاسی، نشان‌دهنده نبود خشونت در جامعه است. بدیهی است، درگیریهای جناحی، ترور و کودتا و پدیده‌هایی مانند این، با از بین بردن ثبات سیاسی، موجب افزایش ریسک و نااطمینانی در فضای اقتصادی در یک کشور می‌شود و از این رهگذر موجب کاهش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و به تبع آن کاهش تولید ناخالص داخلی و درآمد سرانه و توزیع نابرابر درآمد می‌گردد.

۳) اثربخشی دولت: منظور از اثر بخشی دولت، توانایی آن در تدوین و اجرای سیاستهای صحیح و لازمه آن برخورداری از یک دستگاه اداری کارآمد است. همچنین بروکراسیهای شایسته می‌توانند به کارآفرینان منفرد کمک کنند تا از پس مشکلات هماهنگی برآیند که این خود ممکن است موجب افزایش سرمایه‌گذاری، تولید بیشتر و رشد اقتصادی و اشتغال بیشتر و بدنبال آن بهبود توزیع درآمد در جامعه شود (برادران شکاء و ملک‌الساداتی، ۱۳۸۷).

۴) کیفیت تنظیم مقررات: قوانین و مقررات مطلوب و کارآمد، یکی از مهم‌ترین نهادهایی است که می‌تواند بر عملکرد اقتصادی جوامع تأثیر بگذارد، به‌گونه‌ای که قوانین و مقررات اختلال‌زا در مسیر راه‌اندازی یک کسب و کار به اشکال مختلف، در مجموع هزینه‌های سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهند و با توجه به بالا بودن هزینه‌های سرمایه‌گذاری در امر تولید و عدم حمایت مناسب و اصولی از سرمایه‌های کوچک، تنها سرمایه‌داران کلان وارد این مسیر شوند، که این خود افزایش بیکاری، افزایش شکاف طبقاتی، فقر و افزایش نابرابری درآمدی می‌شود (برادران شکاء و ملک‌الساداتی، ۱۳۸۷).

۵) حاکمیت قانون: معرف میزان احترام قائل شده توسط شهروندان و دولتمردان یک کشور برای نهادهایی است که با هدف وضع قوانین، اجرای آنها و حل

اختلافات ایجاد شده‌اند (بانک جهانی، ۲۰۰۳). همچنین تضمین حقوق مالکیت و حسن اجرای قراردادها، کلیدی برای هدایت صحیح منابع سرمایه‌گذاری مولد است، که این خود، موجب افزایش سرمایه‌گذاری و گسترش تولید و اشتغال می‌باشد، که به تبع آن به توزیع بهتر درآمد کمک می‌کند.

۶) کنترل فساد: فساد را عموماً، سوءاستفاده از مناصب دولتی برای تأمین منافع شخصی تعریف می‌کنند (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳). همچنین گوپتا - داووی و الونسو - ترمه^۱ (۱۹۹۸) نشان دادند که فساد از راههایی از قبیل کاهش رشد، هدف‌گیری ناکارآمدتر طرحهای اجتماعی، دسترسی نابرابر به آموزش، انحرافات سیاسی به نفع نابرابری در تملک دارایی، کاهش هزینه‌های اجتماعی و افزایش مخاطرات سرمایه‌گذاری و کاهش سرمایه‌گذاری برای فقرا، نابرابری درآمد و فقر را افزایش می‌دهد (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳).

پیشینه تجربی

با توجه به استراتژیهای مختلفی که سازمانهای بین‌المللی از جمله بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول برای حل مشکل توسعه‌نیافتگی کشورهای فقیر ارائه کردند، اما نتایج حاصل از اجرای چنین سیاستهایی نه تنها در حل مشکل رشد و توسعه اقتصادی کشورهای فقیر ناتوان بودند، به‌گونه‌ای که در تبیین رشد اقتصادی کشورهای فقیر و نیز گسترش نابرابری در سطح جهانی، ابعاد دیگر و تازه‌ای از این تئوریه‌ها شکل گرفت، که به مدل‌های نهادی و اقتصاد سیاسی رشد معروف شدند. در دهه‌های اخیر، محققین فراوانی در بسط و گسترش دیدگاه نهادگرایی جدید نقش داشته و از نقش نهادها و تأثیرشان بر روند رشد و توسعه

1. Gupta- Davoodi and Alonso-Terme

اقتصادی کشورها بحث کرده‌اند، اما به طور اساسی اقتصاد نهادگرایی جدید، ملهم از دیدگاه‌های سه اقتصاددان نهادگرای معاصر یعنی رونالد کوزا^۱ (۱۹۳۷)، اولیور ویلیامسون^۲ (۱۹۸۵) و داگلاس نورث^۳ (۱۹۹۰) است و از جمله اولین مطالعات تجربی در خصوص تأثیر نهادها بر عملکرد اقتصادی توسط کناک و کیفر^۴ (۱۹۹۵) صورت گرفته است (ندیری و محمدی، ۱۳۹۰). حال به طور اجمالی به بررسی مطالعات داخلی و خارجی پرداخته می‌شود.

۱- پیشینه تجربی خارجی

کناک (۱۹۹۹) به بررسی تأثیر متغیرهای آزادی مدنی، خشونت سیاسی و درجه‌بندی ریسک سیاسی، با تأکید بر حکمرانی بر رشد اقتصادی و اشتغال پرداخته است. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که حکمرانی خوب و عملکرد آزادیهای اقتصادی در افزایش استاندارد زندگی برای فقر جهانی عاملی تأثیر گذار است. چانگ و همکاران^۵ (۲۰۰۴) به بررسی ارتباط بین حکمرانی محل و ارائه کالاهای عمومی در مناطق روستایی چین پرداخته‌اند که یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد انتخابات و تقسیم قدرت مناسب و به‌دنبال آن حکمرانی خوب منجر به تخصیص مناسب مخارج دولتی می‌شوند. سامارتو و همکاران^۶ (۲۰۰۴) به‌طور تجربی به بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر کاهش فقر در اندونزی پرداختند، مطالعه آنها نشان می‌دهد که علت افزایش فقر، حکمرانی بد می‌باشد. شفیق و حق^۷ (۲۰۰۶) در مقاله‌ای تحت عنوان حکمرانی و نابرابری درآمدی، به بررسی تأثیر حکمرانی خوب روی رشد اقتصادی و توزیع درآمد برای کشورهای

1. Ronald Coase

2. Oliver Williamson

3. Douglass North

4. Knack and Keefer

5. Zhang

6. Sumarto

7. Shafique and Haq

عضو سارک طی دوره ۱۹۹۶-۲۰۰۵ پرداخته‌اند، آنها برای بررسی ارتباط این دو متغیر از شاخص رفاه سن (۱۹۷۴) استفاده نموده‌اند. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که شاخصهای حکمرانی خوب، توزیع درآمد را بهبود می‌بخشند. کاده‌ری و همکاران^۱ (۲۰۰۶) به بررسی رابطه بین فقر شهری و ایده حکمرانی خوب پرداختند، نتایج تحقیق نشان می‌دهد که عملکرد اقتصادی پاکستان بر مبنای شاخصهای حکمرانی خوب تنزل یافته است. ویرمانی و همکاران^۲ (۲۰۰۶) به برآورد شاخص حکمرانی خوب بر مبنای کیفیت خدمات ارائه شده توسط دولت (کالاهای عمومی)^۳ برای سه کشور آسیای جنوبی پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که شاخصهای حکمرانی و درآمد سرانه تأثیر مثبت و معناداری بر روی کیفیت خدمات ارائه شده توسط دولت از جمله خدمات زیربنایی (از قبیل راه، آموزش و دادگستری) داشته‌اند. اکای^۴ (۲۰۰۶) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر شاخص کنترل فساد بر توسعه انسانی پرداخته است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که فساد اثری منفی و معنادار بر شاخص توسعه انسانی دارد. کورای^۵ (۲۰۰۹) در مقاله‌ای به بررسی تأثیر نقش دولت در رشد اقتصادی با استفاده از تابع تولید نئوکلاسیکی برای ۷۱ کشور پرداخته است، که از متغیر مخارج دولتی به عنوان معیاری جایگزین برای اندازه دولت و از شاخصهای حکمرانی به عنوان جایگزین برای بعد کیفی دولت استفاده شد. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که هر دوی بعد کمی (اندازه دولت) و کیفیت دولت برای رشد اقتصادی مؤثر هستند، یودین^۶ (۲۰۱۰) در طرح تحقیقاتی خود به بررسی تأثیر شاخصهای حکمرانی خوب بر توسعه در بنگلادش پرداخته است. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد، که

1. Chaudhry 2. Virmani 3. public goods
4. Akcay 5. Cooray 6. Uddin

با توجه به این شرایط، حکمرانی خوب می‌تواند اولین پیش‌نیاز برای حداقل نمودن فساد در این کشور باشد و همچنین با توجه به محرومیت این کشور از لحاظ شاخص نرخ با سواد، اجرای سیاستهای حکمرانی خوب می‌تواند این کشور را به مسیر توسعه‌یافتگی سوق دهد. اکرام^۱ و همکاران (۲۰۱۱) به بررسی تأثیر حکمرانی ضعیف و نابرابری درآمد بر فقر در پاکستان طی دوره ۲۰۰۸-۱۹۸۴ از طریق الگوی خودرگرسیون وقفه توزیعی^۲ (ARDL) پرداختند. نتایج این مقاله، رابطه مثبت بین فقر و نابرابری درآمد در روند کوتاه مدت و بلندمدت را نشان می‌دهد. کار و ساها^۳ (۲۰۱۲) به بررسی رابطه فساد، اقتصاد سایه‌ای و نابرابری درآمدی در کشورهای آسیایی پرداختند. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که شاخص درک فساد^۴ و شاخص ICRG به متغیرهای کلان اقتصادی حساس است و با بزرگ شدن اقتصاد سایه‌ای در این کشورها، نابرابری درآمدی تنزل می‌یابد. هونینوو^۵ (۲۰۱۴) به بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر بهبود مخارج بخش سلامت و بهداشت با روش GMM برای ۴۳ کشور آفریقایی طی دوره زمانی ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۲ می‌پردازد، نتایج نشان می‌دهد که مخارج بهداشتی سرانه در کنار شاخص حکمرانی، باعث بهبود بخش بهداشت و سلامت می‌شوند.

۳-۲- پیشینه تجربی خارجی

اگرچه در زمینه تأثیر شاخصهای حکمرانی خوب بر توزیع درآمد در داخل کشور به‌طور مستقیم مطالعه‌ای جامع انجام نشده است، اما به‌طور غیرمستقیم به بررسی تأثیر شاخصهای حکمرانی خوب بر متغیرهای کلان اقتصادی مطالعات متنوعی انجام شده است که به اختصار بدان اشاره می‌شود. میدری (۱۳۸۵) در مقاله‌ای تحت

1. Akram

2. Auto-Regressive Distributed Lag (ARDL)

3. Kar and Saha

4. Corruption perception INDEX

5. Houeninvo

عنوان مقدمه‌ای بر نظریه حکمرانی خوب سعی کرد زمینه‌های پیدایش، ارتباط این نظریه با نظریه‌های رقیب و توصیه‌های سیاستی آن را معرفی نماید. برادران شرکاء و ملک الساداتی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای به مطالعه کیفیت حکمرانی خوب در منطقه آسیای جنوب غربی و بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی پرداخته است. نتایج مطالعه این فرضیه را تأیید می‌کند که بهبود شاخصهای حکمرانی خوب اثر مثبتی بر رشد اقتصادی در کشورهای منطقه دارد. کمیجانی و سلاطین (۱۳۸۷) به بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب OPEC و OECD پرداختند و نتایج حاصل از این مدل برای دو گروه نشان می‌دهد که ارتباط مثبت و معناداری میان شاخص کیفیت حکمرانی و رشد اقتصادی در هر دو گروه وجود دارد. صباغ کرمانی و باسنا (۱۳۸۷) در مقاله‌ای تحت عنوان نقش حکمرانی خوب در بهبود کارکرد هزینه‌های دولت به بررسی نقش این متغیر در بهبود کارکرد هزینه‌های آموزشی و بهداشتی کشورهای منتخب عضو سازمان کنفرانس اسلامی پرداخته است. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که افزایش هزینه‌های آموزشی و بهداشتی دولت، همواره مؤثر نبوده است. شاه‌آبادی و پورجوان (۱۳۸۹) به بررسی حکمرانی، رقابت‌پذیری و رشد اقتصادی کشورهای منتخب طی دوره ۲۰۰۶-۱۹۹۶ پرداختند، نتایج پژوهش حاکی از این است که کشورهایی که نهاد تنظیم‌گری و کیفیت حکمرانی آنها بهتر بوده است، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیشتری جذب کرده و منابع و امکانات کشور را بیشتر به سمت افزایش هزینه‌های تحقیق و توسعه سوق داده‌اند. سامتی و همکاران (۱۳۹۰) به تحلیل تأثیر شاخصهای حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی در کشورهای جنوب شرقی آسیا در طی دوره ۲۰۰۹-۲۰۰۰ میلادی پرداختند و نتایج حاصل از تخمین مدلها نشان می‌دهد که شاخصهای حکمرانی خوب، اثر مثبت و معناداری بر شاخص توسعه انسانی دارند. نادری

(۱۳۹۰) به معرفی و نقد اجمالی شاخصهای حکمرانی خوب پرداخته است، او در این مقاله با اذعان به مؤثر بودن عوامل اقتصادی در شکل‌گیری الگوی حکمرانی خوب در بهبود وضعیت رفاهی و معیشتی افراد جامعه، به نقد و مقایسه چنین الگویی در بعضی کشورها به‌ویژه ایالات متحده آمریکا با نظام اقتصادی اسلام پرداخته است. همچنین شاه‌آبادی و همکاران (۱۳۹۲) به بررسی تأثیر حکمرانی بر رشد بیکاری کشورهای منتخب توسعه‌یافته و در حال توسعه پرداختند، نتایج مطالعه حاکی از اثر منفی و به لحاظ آماری معنادار شاخصهای حکمرانی بر رشد بیکاری در هر دو دسته از کشورهای مورد مطالعه می‌باشد.

تحقیق حاضر نسبت به مقالات اشاره‌شده و نیز تحقیقات دیگر موجود در این زمینه دارای تفاوت‌هایی است. به‌گونه‌ای که برخلاف توابع رفاه اجتماعی که رفاه را تابعی از مصرف کالای خصوصی می‌دانند، توجهی به تأثیر نهادها و سیاستهای حاکمیتی بر رفاه اجتماعی نشده است. اما نهادها تأثیر عمیقی روی عملکرد اقتصادی دارند، که با توجه به نقش برجسته دولتها در بسترسازی برای رشد و توسعه اقتصادی و شکست بازار، دولتها می‌توانند با ارائه کالاهای خدمات عمومی مناسب و سایر سیاستها، به بهبود وضعیت رفاه اجتماعی بپردازند. بهمین خاطر در تابع رفاه اجتماعی، علاوه بر مصرف کالای خصوصی، مصرف کالای عمومی که نمونه‌ای از شکست بازار است را که در مخارج دولتی پنهان است وارد می‌نماییم.

روش

۱) جامعه آماری

جهت تحلیل تجربی مبانی نظری مطرح شده در فصل گذشته از اطلاعات سری زمانی مربوط به ۳ گروه کشور طی دوره زمانی ۲۰۱۰-۱۹۹۹ استفاده شده است.

الگوی منتخب برای ۲ گروه کشورهای زیر مورد برآورد قرار می‌گیرد تا امکان بررسی شرایط متفاوت کیفیت حکمرانی و تأثیر آن بر توزیع درآمد فراهم گردد. گروه اول (۲۵) کشور: کشورهای جنوب غربی آسیا، شامل: افغانستان، ارمنستان، اذربایجان، قبرس، گرجستان، ایران، عراق، اردن، قزاقستان، کویت، قرقیزستان، لبنان، عمان، پاکستان، قطر، عربستان سعودی، سوریه، تاجیکستان، ترکیه، ترکمنستان، امارات، ازبکستان، یمن. که دو کشور بحرین و فلسطین به دلیل نبود داده‌ها و اطلاعات از مدل حذف گردیدند.

گروه سوم (۳۰) کشور: کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه شامل: استرالیا، اتریش، بلژیک، کانادا، چک، دانمارک، فنلاند، آلمان، یونان، ایسلند، ایرلند، ایتالیا، ژاپن، کره جنوبی، لوکزامبورگ، مکزیک، هلند، نیوزلند، نروژ، لهستان، پرتغال، اسلواکی، اسپانیا، سوئد، سوئیس، ترکیه، انگلیس و آمریکا. تمامی کشورهای این گروه، پیشرفته صنعتی و دارای ساختار دموکراتیک هستند. همچنین از نظر شاخصهای حکمرانی در بالاترین رده‌ها قرار دارند.

۲) تصریح مدل

با توجه به محدودیتهای موجود در استفاده از الگوهای سری زمانی، در دوره‌های زمانی کوتاه به دلیل محدودیتهای آماری موجود، استفاده از روش داده‌های تابلویی جهت تلفیق داده‌های مقاطع و گروههای مختلف در یک سری زمانی محدود روشی مفید محسوب می‌شود. صورت کلی داده‌های تابلویی به شکل زیر می‌باشد:

$$Y_{it} = \alpha + \beta_{it} X_{it} + U_{it} \quad (1)$$

که در آن Y_{it} متغیر وابسته و X_{it} برداری از k متغیر توضیحی است. U_{it} نیز جزء

اخلال است که مستقیماً در الگو وارد نشده‌اند. می‌توان $U_{it} = \mu_i + \lambda_i + \varepsilon_{it}$ تعریف نمود که در آن ε_{it} جزء اخلال دارای توزیع نرمال با میانگین صفر و واریانس σ^2 است. μ_i بیانگر تفاوت‌های موجود بین مقاطع بوده و ثابت یا تصادفی بودن توزیع آن منجر به تعیین شکل الگو به ترتیب در قالب اثرات ثابت یا تصادفی می‌گردد. λ_i نیز نشان دهنده وجود اثرات زمانی در الگو می‌باشد، که منطبق با آن دو حالت یکطرفه ($\lambda_i = 0$) و دو طرفه ($\lambda_i \neq 0$) برای الگو تحقق می‌یابد. به‌طور کلی برآورد الگو با استفاده از داده‌های تابلویی شامل مراحل: آزمون تشخیصی پایایی (مانایی) بر روی داده‌ها، آزمون قابلیت تخمین مدل به‌صورت داده‌های تابلویی، آزمون تعیین اثرات یا اثرات تصادفی و برآورد پارامترها است. لذا پیش از برآورد رابطه میان توزیع درآمد و متغیرهای توضیحی لازم است پایایی تمامی متغیرهای مورد استفاده در تخمین مورد آزمون قرار گیرد (سامتی و همکاران، ۱۳۹۰).

حال با توجه به اینکه هدف پژوهش، بررسی تأثیر شاخصهای حکمرانی خوب بر توزیع درآمد با بکارگیری تابع رفاه اجتماعی سن است، همچنین با توجه به اینکه شکل تصریح شده تابع رفاه اجتماعی سن به‌صورت $w = \mu(1-G)$ است، که بر اساس آن μ شاخص تغییرات درآمد (درآمد سرانه) و G توزیع درآمد (ضریب جینی) به‌طور همزمان مورد توجه قرار می‌گیرد (شفیق و حق، ۲۰۰۶)، بعد از تعدیلات لازم، مدلها به دو صورت تبیین شده‌اند. یک مدل بر اساس شاخص کیفیت حکمرانی و دیگری بر اساس شاخصهای ۶ گانه حکمرانی خوب مورد برآورد قرار گرفت، که با وارد کردن ۳ متغیر کنترلی، دو مدل به‌صورت زیر مورد بررسی قرار می‌گیرند:

مدل اول:

$$GINI_{it} = B_0 + B_1 C_{it} + B_2 G_{it} + B_3 GQI_{it} + B_4 \mu_{it} + B_5 UP_{it} + B_6 EII_{it} + B_7 DEMO_{it} + \varepsilon_{it} \quad (Y)$$

مدل دوم:

$$GINI_{it} = \alpha_i + \beta_1 VAI_{it} + \beta_2 PSI_{it} + \beta_3 GEI_{it} + \beta_4 RQI_{it} + \beta_5 RLI_{it} + \beta_6 CCI_{it} + \beta_7 G2_{it} + \beta_8 C_{1it} + \beta_9 \mu_{it} + \beta_{10} UP_{it} + \beta_{11} EII_{it} + \beta_{12} DEMO_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۳)$$

\hat{t} نشان دهنده مقطع‌ها یا واحدهای مشاهده شده، t نشان دهنده دوره زمانی و نشان دهنده خطای برآورد داده‌های تلفیقی است. GINI ضریب جینی که به عنوان معیاری برای شاخص نابرابری بکار می‌رود و متغیر وابسته می‌باشد. GQI شاخص کیفیت حکمرانی و متغیرهای VAI، PSI، GEI، RQI، RLI و CCI شاخصهای ۶ گانه حکمرانی خوب می‌باشند VAI شاخص شفافیت پاسخگویی، PSI شاخص ثبات سیاسی، GEI شاخص اثربخشی دولتی، RQI شاخص کیفیت قوانین و مقررات، RLI شاخص حاکمیت قانون CCI شاخص کنترل فساد می‌باشند. G2 مخارج سرمایه‌گذاری دولت در کالاها و خدمات عمومی به قیمت ثابت سال ۲۰۰۵ میلادی، C_1 مخارج مصرفی نهایی به قیمت ثابت سال ۲۰۰۵ میلادی، μ متغیر درآمد سرانه به قیمت ثابت سال ۲۰۰۵ میلادی (که در برآورد به جای آن از y استفاده شده است)، UP نرخ شهرنشینی، EII شاخص آزادی اقتصادی، که داده‌های آن از مؤسسه بنیاد هریتیج گرفته شده است. DEMO شاخص دموکراسی که اطلاعات آن از خانه آزادی گرفته شده است. همچنین U جمله خطا می‌باشد.

یافته‌ها

نتایج حاصل از مدلها در ابتدا به صورت آزمون ریشه واحد، آزمون همگنی و هاسمن و در نهایت برآورد مدلها می‌باشد.

۱- نتایج آزمون ریشه واحد در الگوهای تلفیقی

نتایج حاصل از آزمون ریشه واحد برای تمامی متغیرها در جدول (۱) آمده است.

جدول (۱) نتایج حاصل از آزمون ریشه واحد برای هر دو گروه از کشورها

OECD کشورهای عضو		کشورهای جنوب غربی آسیا		
آزمون LLC		آزمون LLC		
احتمال	مقدار	احتمال	مقدار	
$p < 0/001$	-۵	$p < 0/001$	-۹/۷۴	CCI
۰/۰۰۸۵	-۲/۳۹	$p < 0/001$	-۱۶۵/۹	GDP
$p < 0/001$	-۲۰/۱۶	$p < 0/001$	-۱۳۲/۱۵	
$p < 0/001$	-۱۵/۹	$p < 0/001$	-۲۸/۴۵	DEMO
$p < 0/001$	-۶/۸۳	$p < 0/001$	-۱۹/۴	EII
۰/۰۰۲	-۳/۵	$p < 0/001$	-۴۶/۴	
۰/۰۰۱۱	-۳/۰۶۹	$p < 0/001$	-۷/۱۷	GEI
$p < 0/001$	-۶/۰۸	$p < 0/001$	-۲۲/۸۶	GINI
$p < 0/001$	-۵/۴۵	$p < 0/001$	-۵/۹۶	GQI
۰/۰۰۰۶	-۳/۲۳	$p < 0/001$	-۴۹/۹۹	I
$p < 0/001$	-۹/۳۳	$p < 0/001$	-۸/۳۴	PSI
$p < 0/001$	-۵/۸	$p < 0/001$	-۹/۰۹	RLI
$p < 0/001$	-۷/۵۵	$p < 0/001$	-۹/۷۱	RQI
$p < 0/001$	-۱۵/۱۶	$p < 0/001$	-۱۳۹/۰۸	UP
$p < 0/001$	-۵/۸۱	$p < 0/001$	-۸/۲۱	VAI
$p < 0/001$	-۵/۴۵	$p < 0/001$	-۸۵/۸	Y

منبع: محاسبات محققین

نتایج حاصل از آزمون ریشه واحد برای دو گروه نشان می‌دهد که همه متغیرها در سطح مانا بوده و احتمال گرفتار شدن در رگرسیون‌های کاذب به حداقل می‌رسد.

جدول (۲) نتایج حاصل از آزمون‌های همگنی و هاسمن

احتمال				مقدار				
گروه OECD		گروه جنوب غربی آسیا		گروه OECD		گروه جنوب غربی آسیا		گروه
مدل اول	مدل دوم	مدل اول	مدل دوم	مدل اول	مدل دوم	مدل اول	مدل دوم	مدل
<۰/۰۰۱	<۰/۰۰۱	۰/۰۲۶	۰/۰۲۳	۲/۷۸	۲/۸۴	۲/۰۱۷	۲/۰۶	آزمون f
۰/۰۰۰۲	۰/۰۳۶	۰/۲۸	۰/۱۰۲۷	۳۷/۶	۱۴/۹۹	۱۴/۰۲	۱۱/۹۴	آزمون هاسمن

منبع: محاسبات محققین

۲- نتایج آزمون همگنی و هاسمن

در جدول (۲) نتایج حاصل از آزمون همگنی و آزمون هاسمن به طور خلاصه آورده شده است.

نتایج این آزمون‌ها در جدول فوق منعکس شده است. بر اساس آماره F محاسبه شده و مقایسه آن با مقدار بحرانی متناظر آن فرض همگنی ضرایب تأیید نمی‌شود. یعنی مدل به صورت پنل تخمین زده می‌شود. همچنین آزمون هاسمن در گروه جنوب غربی آسیا، مدل اثرات ثابت در مقابل اثرات تصادفی پذیرفته نمی‌شود و مدل به صورت اثرات تصادفی تخمین زده می‌شود. در گروه کشورهای عضو OECD نیز مدل اثرات ثابت در مقابل اثرات تصادفی پذیرفته می‌شود و مدل به صورت اثرات ثابت تخمین زده می‌شود.

۳- نتایج برآورد مدل‌های تصریح شده برای دو گروه کشورها

نتایج برآوردهای مدل‌ها برای دو گروه در دو بخش به صورت جدول (۳) آورده شده است.

نتایج تخمین مدل برای کشورهای منطقه جنوب غربی آسیا و کشورهای

عضو OECD در جدول فوق آورده شده است. نتایج این جدول نشان می‌دهد که در مدل اول، شاخص کیفیت حکمرانی، دارای تأثیر منفی و معنادار بر ضریب جینی بوده، به گونه‌ای که چنانچه به ترتیب کیفیت حکمرانی در منطقه جنوب غربی آسیا یک واحد افزایش یابد، توزیع درآمد به میزان ۰/۰۲ بهبود می‌یابد. جدول (۳) نتایج حاصل از برآورد شاخصهای حکمرانی خوب (متغیر وابسته: ضریب جینی)

مدل اول	جنوب غربی آسیا		OECD		مدل دوم	جنوب غربی آسیا		OECD	
	مقدار	میزان	مقدار	میزان		مقدار	میزان	مقدار	میزان
گروه / متغیر	ضرایب	احتمال	ضرایب	احتمال	گروه / متغیر	ضرایب	احتمال	ضرایب	احتمال
C1	-۰/۰۰۷	۰/۰۰۸*	-۰/۰۰۲	۰/۰۰۸*	C1	-۰/۰۰۱	۰/۰۴۶**	-۰/۰۰۲	۰/۰۶***
G2	-۰/۰۱۲	۰/۰۲*	-۰/۰۰۹	۰/۰۰۸*	G2	-۰/۰۰۹	۰/۰۴۹**	-۰/۰۰۸۵	۰/۰۴**
GQI	-۰/۰۰۲	۰/۰۰۷*	-۰/۰۱۶	۰/۰۰۷*	Y	-۰/۰۰۰۳	۰/۰۲**	-۰/۰۰۵	۰/۰۲**
Y	۰/۰۰۳	۰/۰۳**	-۰/۰۰۰۶	۰/۰۱۶**	UP	-۰/۵	۰/۰۵۷***	-۰/۰۰۰۲	۰/۰۵۷***
UP	-۰/۰۵۲	۰/۰۳۲**	-۰/۰۰۱	۰/۰۰۶*	EII	-۰/۰۸۸	۰/۰۸***	-۰/۰۸	۰/۰۸**
EII	-۰/۰۰۸	<۰/۰۰۱*	-۰/۰۸۴	۰/۰۰۴*	DEMO	-۰/۰۳۵	۰/۰۰۷*	-۰/۱۲	۰/۰۷***
DEMO	-۰/۰۰۳	<۰/۰۰۱*	-۰/۱۲		VAI	-۰/۰۶۵	۰/۰۰۶*	-۰/۰۴	۰/۰۲**
R ²	۰/۹۷		۰/۹۸		PSI	-۰/۰۰۲	۰/۰۴۵**	-۰/۰۷	<۰/۰۰۱*
F	۱۷۴		۲۹۴		GEI	-۰/۰۰۴	۰/۰۴۶**	-۰/۰۰۲	۰/۰۲**
D.W	۱/۹۷		۲/۰۱		RLI	-۰/۰۰۳	۰/۰۰۷***	-۰/۰۰۱	۰/۰۰۷*
					RQI	-۰/۰۳۶	<۰/۰۰۱*	-۰/۰۰۲	۰/۰۰۷*
					CCI	-۰/۰۰۴	<۰/۰۰۱*	-۰/۰۰۳	۰/۰۰۷***
					R ²	۰/۹۷۷		۰/۹۷۲	
					F	۱۳۶		۲۵۴	
					D.W	۱/۹		۲/۰۱	

* سطح معناداری ۱ درصد، ** سطح معناداری ۵ درصد، *** سطح معناداری ۱۰ درصد

در کشورهای عضو OECD نیز توزیع درآمد در حدود ۰/۰۱۶ افزایش می‌یابد. میزان اثرگذاری شاخص کیفیت حکمرانی در گروه کشورهای منطقه جنوب غربی آسیا بیشتر از گروه کشورهای عضو OECD است، که این امر به دلیل پایین بودن و ضعف وضعیت حکمرانی خوب در گروه کشورهای کمتر توسعه یافته است که بهبود یافتن آن در مقایسه با بهبود حکمرانی خوب در گروه کشورهای عضو OECD می‌تواند اثرات بیشتری بر بهبود توزیع درآمد در گروه کشورهای عضو OIC و منطقه جنوب غربی آسیا بگذارد. شاخصهای ۶ گانه حکمرانی خوب نیز به ترتیب در هر سه گروه دارای تأثیر منفی و معنادار بر مدل بودند. شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی در هر دو گروه دارای تأثیر منفی و معنادار بر ضریب جینی می‌باشد، به گونه‌ای که ضریب این شاخص در کشورهای در حال گذر بیشتر از کشورهای توسعه یافته است که دلیل این امر را می‌توان به این صورت تبیین کرد که در کشورهای در حال گذار با توجه به نقش وسیع دولت در اقتصاد و فقدان پاسخگویی از سوی آنها برای اعمال سیاستهای غلط اقتصادی باعث افزایش هزینه‌های کسب و کار، کاهش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی شده و به تبع آن به کاهش اشتغال و افزایش بیکاری و تشدید نابرابری را در پی خواهد داشت. حال با توجه به چنین شرایطی، بهبود یافتن این شاخص در کشورهای در حال توسعه در مقایسه با بهبود حکمرانی خوب در گروه کشورهای عضو OECD می‌تواند اثرات بیشتری بر بهبود توزیع درآمد منطقه جنوب غربی آسیا داشته باشد. شاخص ثبات سیاسی در هر ۲ گروه از کشورها دارای تأثیر منفی و معنادار بر ضریب جینی بوده‌اند. شاخص اثربخشی دولتی تأثیر منفی و معناداری بر ضریب جینی در هر دو گروه داشته است، اما ضریب این شاخص در کشورهای منطقه جنوب غربی آسیا بیشتر از کشورهای توسعه یافته (OECD)

است. این بیشتر بودن به علت عدم بکارگیری مناسب ظرفیتهای خالی فرایند تولید در کشورهای کمتر توسعه یافته است که موجب می شود افزایش شاخص اثربخشی دولتی باعث بکارگیری کارا و مؤثر از این منابع در جهت ارائه خدمات عمومی مناسب تر و کارآمدی بخشهای مختلف اقتصادی شود که باعث کاهش نابرابری درآمدی بیشتر در کشورهای کمتر توسعه یافته نسبت به کشورهای توسعه یافته می شود.

شاخص کیفیت قوانین و مقررات در هر دو گروه دارای تأثیر منفی و معنادار بر ضریب جینی است. شاخص حاکمیت قانون در هر دو گروه از کشورهای مورد مطالعه تأثیر منفی و معناداری بر ضریب جینی داشته است، به گونه ای که چنانچه این شاخص در هر دو گروه بهبود یابد ضریب جینی در هر دو گروه به ترتیب در این کشورها کاهش می یابد. ضریب این شاخص در کشورهای کمتر توسعه یافته نسبت به کشورهای توسعه یافته بیشتر است. با توجه به نداشتن وزارت دادگستری و قوه قضاییه قاطع و مستقل از فشارهای سیاسی و دستگاه دولتی و بی عدالتی و همچنین حمایت نکردن از حقوق مالکیت معنوی باعث کاهش سرمایه گذاری، افزایش ریسک سرمایه گذاری و کاهش تولید می شود. با توجه به چنین شرایطی در این کشورها، چنانچه این شاخص در کشورهای در حال توسعه بیشتر شود، تأثیر بیشتری از لحاظ بهبود وضعیت رشد تولید، کاهش بیکاری و در مجموع بهبود وضعیت درآمدی اقشار مختلف جامعه نسبت به کشورهای عضو OECD خواهد داشت. شاخص دیگر شاخص کنترل فساد است. باید توجه داشت میزان ضریب این شاخص در کشورهای توسعه یافته بیشتر از کشورهای در حال توسعه است. با توجه به برخوردار بودن این کشورها از تولید و همچنین سرمایه گذاری و اشتغال نسبت به کشورهای کمتر توسعه یافته ارتقاء

این شاخص می‌تواند تأثیر خیلی مهمی بر سطح اشتغال و بیکاری و در مجموع توزیع درآمد این کشورها نسبت به کشورهای در حال توسعه داشته باشد. در هر دو گروه سرمایه‌گذاری دولت در کالاها و خدمات عمومی دارای تأثیر منفی و معنادار بر ضریب جینی بوده است، حال با توجه به اینکه ضریب این شاخص در کشورهای منطقه جنوب غربی آسیا بیش از کشورهای عضو OECD می‌باشد می‌توان بیان داشت که میزان تأثیرگذاری این مخارج بر توزیع درآمد در گروه کشورهای منطقه جنوب غربی آسیا بیشتر از گروه کشورهای عضو OECD می‌باشد. این امر نشان دهنده اصلاح زیرساختهای اقتصادی و اجتماعی و تأمین کالاها و خدمات عمومی از سوی دولت به دلیل فراهم شدن بسترهای مناسب برای ورود بخش خصوصی به عرصه تولید در گروه کشورهای جنوب غربی آسیا باید مورد توجه قرار داده شود. مخارج مصرفی خصوصی در هر دو گروه دارای تأثیر منفی و معنادار بر ضریب جینی می‌باشد. یعنی چنانچه این متغیر افزایش یابد، ضریب جینی نیز کاهش می‌یابد.

همچنین مقادیر محاسبه شده برای ضریب تعیین (R^2)، در دو گروه در مجموع دارای مقدار بالایی هستند. به گونه‌ای که برای کشورهای منطقه جنوب غربی آسیا (مدل اول) بر اساس مقادیر محاسبه شده برای ضریب تعیین (R^2)، متغیرهای لحاظ شده در مدل بیش از ۹۷٪ تغییرات ضریب جینی را توضیح می‌دهند. همچنین آماره F (برابر ۱۷۴) بر معناداری کل مدل دلالت دارد و مدل دیگر نیز بر همین اساس تفسیر می‌شود.

بحث

تحقیق حاضر با هدف بررسی اثر شاخصهای حکمرانی خوب بر توزیع درآمد

برای ۵۳ کشور منتخب (شامل کشورها منتخب جنوب غربی آسیا و کشورهای عضو OECD) طی دوره ۲۰۱۰-۱۹۹۹ با استفاده از روش داده‌های پانلی مبتنی بر اثرات ثابت می‌باشد. توجه به مؤلفه‌های حکمرانی و کیفیت حکمرانی می‌تواند توانایی اقتصاددانان در توضیح واقعیتهای تجربی در جهت کاهش نابرابری در سطح جهان را افزایش و زمینه ساز اتخاذ سیاستهای اقتصادی واقع بینانه‌تری مبتنی بر واقعیتهای آن جامعه و کشور باشد. همچنین می‌توان از این تحقیق نتیجه گرفت که موضوع حکمرانی خوب در عملکرد بلندمدت توزیع درآمد و کاهش نابرابری حائز اهمیت است. که این نشان دهنده ارتباط منفی و معنادار میان شاخصهای حکمرانی خوب و توزیع درآمد در دوره بلندمدت است. به گونه‌ای که توانایی دولت در فراهم ساختن نهادی پشتیبان رشد و کاهش فقر و نابرابری در ایجاد حکمرانی خوب، امری حیاتی برای توسعه است و با توجه به اینکه کشورهای در حال توسعه بیشتر با چنین مشکلاتی دست و پنجه نرم می‌کنند، که با توجه به سطح پایین رفاه اجتماعی و بروز افزایش نابرابریها و فقر در این کشورها، به ویژه کشورهای جنوب غرب آسیا، پیشنهاد می‌شود سیاستمداران و مدیران اقتصادی در این کشورها برای کاهش نابرابری و فاصله طبقاتی، توجه بیشتری به مقوله حکمرانی خوب داشته باشند.

همچنین نتایج حاصل از تخمین مدلها در تحقیق حاضر نشان داد که تمامی شاخصهای حکمرانی خوب و شاخص کیفیت حکمرانی، دارای تأثیر منفی و معنادار بر ضریب جینی است و با توجه به اینکه حکمرانی خوب عامل محرکه رشد اقتصادی، تولید ثروت و درنهایت بهبود توزیع درآمد می‌باشد که این موارد نشان می‌دهد، موضوع حکمرانی خوب در عملکرد بلندمدت توزیع درآمد و کاهش نابرابری حائز اهمیت است و این امر نشان دهنده ارتباط منفی و معنادار

میان شاخصهای حکمرانی خوب و توزیع درآمد در دوره بلندمدت می‌باشد. به‌گونه‌ای که توانایی دولت در فراهم ساختن نهادی پشتیبان رشد و کاهش فقر و نابرابری در ایجاد حکمرانی خوب، امری حیاتی برای توسعه است و با توجه به اینکه وضعیت شاخصهای حکمرانی خوب در کشورهای در حال توسعه نامناسب بوده، در ادامه پیشنهادهاتی به منظور بهبود وضعیت این مؤلفه‌ها در این کشورها ارائه می‌شود:

۱- با توجه به تأثیر منفی و معنادار کیفیت حکمرانی بر ضریب جینی برای این کشورها، توصیه می‌شود که یک بسته سیاستی جهت تحقق شاخصهای حکمرانی خوب برای اجرای اصلاحات اقتصادی، قضایی، اداری و مدیریتی و همچنین توسعه نهادهای مدنی ارائه شود که خود زمینه کاهش نابرابری را در جامعه فراهم می‌نماید.

۲- با توجه به ارتباط منفی و معنادار بین شاخص شفافیت و پاسخگویی و میزان نابرابری، اجازه فعالیت بیشتر به رسانه‌ها و سایر انجمنها به منظور افزایش شفافیت و افزایش پاسخگویی مدیران دولتی در مورد سیاستهای جاری و یا سیاستهایی که در آینده اجرا می‌شوند را می‌توان توصیه نمود که به افزایش توزیع درآمد کمک می‌نماید.

۳- با توجه به ارتباط منفی و معنادار شاخص ثبات سیاسی و نابرابری درآمدی، می‌توان بر ایجاد شرایط با ثبات سیاسی و اجرای سیاستهایی که باعث کاهش خشونت و درگیری در این کشورها شود تأکید کرد.

۴- با توجه به ارتباط منفی و معنادار شاخص اثربخشی دولتی و ضریب جینی، می‌توان بر کارایی بیشتر دولت در ارائه کالاها و خدمات عمومی، تأمین زیرساختهای اقتصادی، تعهدپذیری دولت بر اجرای سیاستها و تنظیم قوانین و

مقررات مناسب از سوی دولت تأکید نمود.

۵- با توجه به اینکه یکی از فرضهای حاکم بر توابع رفاه اجتماعی، جمع پذیری آن است که باعث شده توابع رفاه اجتماعی افراد در کشورهای مختلف با یکدیگر جمع شود و به عنوان یک محدودیت برای این توابع تلقی شود، به محققین جدیدی که در این زمینه می‌خواهند به مطالعه پردازند توصیه می‌شود تابع رفاه اجتماعی جدیدی را برای نداشتن چنین محدودیتی ارائه کنند.

- بشیری، ع. و شقاقی شهری، و. (۱۳۹۰). حکمرانی خوب، فساد و رشد اقتصادی (رویکردی اقتصادی به مقوله حکمرانی خوب). *بررسیهای بازرگانی*، مرداد و شهریور ۱۳۹۰، شماره ۴۸، ۸۱-۶۹.
- برادران شرکاء، ح. و ملک الساداتی، س. (۱۳۸۷). حکمرانی خوب، کلید توسعه آسیای جنوب غربی، *مجله راهبرد*، زمستان ۱۳۸۶ و بهار ۱۳۸۷، شماره ۴۶، ۳۵۹-۳۸۳.
- تودارو، م. (۱۳۸۷). *توسعه یافتگی در جهان سوم*. ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.
- رزمی، س. م. ج.، شهرکی، س. و وکلایی، م. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین تجارت بین الملل و رشد اقتصادی با استفاده از شاخص حکمرانی خوب. *فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی*، تابستان ۱۳۹۰، شماره ۵۹، ۱۳۷-۱۶۲.
- سامتی، م.، رنجبر، ه. و محسنی، ف. (۱۳۹۰). تحلیل تأثیر شاخصهای حکمرانی خوب بر توسعه انسانی (مطالعه موردی: کشورهای جنوب شرقی آسیا (ASEAN)). *فصلنامه رشد و توسعه اقتصادی*، دوره ۱، شماره ۴، ۱۸۳-۲۲۳.
- شاه آبادی، ا.، نیلفروشان، ن. و خالقی، م. (۱۳۹۲). تأثیر حکمرانی بر رشد بیکاری کشورهای منتخب توسعه یافته و در حال توسعه. *فصلنامه پژوهشها و سیاستهای اقتصادی*، سال ۲۱، شماره ۶۵، ۱۴۷-۱۶۴.
- صباغ کرمانی، م. و باسحا، م. (۱۳۸۸). نقش حکمرانی خوب در بهبود کارکرد هزینه های دولت: مطالعه موردی بخش بهداشت و آموزش کشورهای اسلامی. *مجله تحقیقات اقتصادی*، بهار ۱۳۸۸، شماره ۸۶، ۱۰۹-۱۳۰.
- کمیجانی، ا. و سلاطین، پ. (۱۳۸۷). تأثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در گروه کشورهای منتخب OPEC و OECD. *فصلنامه مدلسازی اقتصادی*، زمستان ۱۳۸۷، شماره ۲، ۱-۲۴.
- کمیجانی، ا. و سلاطین، پ. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر کیفیت حکمرانی بر رشد اقتصادی در ایران و کشورهای منتخب همسایه (ترکیه و پاکستان). *فصلنامه مدیریت*، دوره ۷، شماره ۲۰، ۲۷-۴۱.
- میدری، ا. و خیرخواهان، ج. (۱۳۸۳). *حکمرانی خوب بنیان توسعه*. دفتر بررسیهای اقتصادی مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی.
- میدری، ا. (۱۳۸۵). مقدمه ای بر نظریه حکمرانی خوب. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، دوره ۶، شماره ۲۲، ۲۶۱-۲۸۷.
- مهرار، م. و اسدیان، ز. (۱۳۸۸). تأثیر حکمرانی خوب بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشورهای با درآمد متوسط. *مطالعات اقتصاد بین الملل*، دوره ۲۰، شماره ۳۵، ۱-۲۰.

- نادری، م. م. (۱۳۹۰). حکمرانی خوب، معرفی و نقد اجمالی. *مجله اسلام و پژوهش‌های مدیریتی*، سال اول، شماره ۱، ۶۳-۹۳.
- ندیری، م. و محمدی، ت. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر ساختارهای نهادی بر رشد اقتصادی با روش GMM داده‌های تابلویی پویا. *فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی*، دوره ۵، شماره ۳، ۱-۲۴.
- Akram, Z. Wajid, S. & Sarwar, M. T. (2011). Impact of poor governance and income inequality of poverty in Pakistan. *Far East Journal of Psychology and Business*, 3, 43-55.
- Akçay, S. (2006). Corruption and Human Development. *Cato Journal*, 26, 45-60.
- Coase, R. (1937). The nature of the firm. *Economica* 4(16), 386-405.
- Cooray, A, V. (2009). Government expenditure, governance and economic growth. *Faculty of commerce*, 51, 1-27.
- Gani, Azmet & Ducan, Ron, (2004) "Fiji's governance index", Australian national university and the university of the south pacific 1, 1-39 .
- Houeninvo, G. H. (2014). Does good governance improve public health expenditure-health outcomes nexus? New empirical evidence from Africa. *Faculté des Sciences Economiques et de Gestion (FASEG)*, 1, 1-24.
- Kaufmann, D. , Kraay, A. & Mastruzzi, M. (2010). The Worldwide Governance Indicators, *Policy research working paper*, No. 5430, 2-28.
- Kar, S. & Saha, S. (2012). Corruption, Shadow Economy and Income Inequality: Evidence from Asia, *Discussion Paper*, No. 7, 106.
- Knack, S. (1999). Governance and Employment. *Employment and Training papers*, 45, 1-31.
- Knack, S. & Philip, K. (1995). Institutions and economic performance: cross-country tests using alternative institutional measures. *Economics and Politics*, 7(3), 207-27.
- North, D. C. (1990). *Institutions, institutional change and economic performance*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Sumarto, S. , Suryahadi, A. & Arifianto, A. (2004). Governance and Poverty Reduction: Evidence from Newly Decentralized Indonesia. *A paper from SMERU Research Institute*, 1, 1-43.
- Shafique, S. & Haq, R. (2006). Governance and Income Inequality. *The Pakistan Development Review*, 4, 751-760.

- Uddin, A. (2010). *Impact of good goverance on development in Bangladesh: A study*. Master's Thesis in Public Administration, Institute of Society and Globalization Roskilde University.
- Virmanim, A. , Sahu, S. & Tanwar, S. (2006). Goverance in the province of public goods in south asia. *International economic relations*, 64, 1-43.
- World Bank (2003). *Sustainable Development in a Dynamic World: Transforming Institutions, Growth, and Quality of Life*. World Development Report, UK: Oxford University Press.
- Williamson, O. (1985). *The economic institutions of capitalism*. New York: Free Press.
- Zhang, X. , & Shenggen, F. , Linxiu, Z. & Jikun, H. (2004). Local goverance and public goods provision in rural China. *Journal of Public Economics*, 88, 2857-2871.